

ساز و کار شناختی آمیختگی و نقش آن در مفهوم‌سازی‌های قرآنی

غلام حسن اورکی
دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی
همگانی، پردیس علوم تحقیقات خوزستان،
دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران و گروه
زبان‌شناسی همگانی، واحد اهواز، دانشگاه
آزاد اسلامی، اهواز، ایران

الخاص ویسی*

دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی و
زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، ایران

منصوره شکرآمیز

استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی و
زبان‌های خارجی، واحد اهواز، دانشگاه
آزاد اسلامی، اهواز، ایران

*نشانی تماس: گروه زبان‌شناسی همگانی
و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور،
ایران

رایانامه: elkhas@yahoo.com

Exploring Semantic Principle of Construction and Understanding Concepts in Holy Qur'an Based on Conceptual Blending Theory

Introduction: This article is an attempt to examine the effectiveness of Conceptual Blending Theory by Fauconnier and Turner in explaining cognitive components of the conceptualization process. The scope of the research covers the last fifteen chapters of the Holy Quran. **Method:** To do this, descriptive-analytic method was used. Data collection was a library and note taking method. Valid interpretations of the Holy Quran and Noor Comprehensive software have been used in analyzing research data. The main question of this paper is whether it is possible to analyze the conceptual structure of the Holy Quran by using the parameters of Conceptual Blending Theory. It is assumed that by using Conceptual Blending framework we are able to explain the conceptual structure of the Holy Quran. This method of conceptualization has roots in the relationship between the language and mind. **Results:** The findings of this paper show that the application of Conceptual Blending provides an excellent analytical tool for exploring conceptual structure of the Holy Quran. **Conclusion:** We can analyze the conceptual structure of the Holy Quran by using Conceptual Blending framework.

Keywords: *The Holy Quran; cognitive semantics, Conceptual Blending Theory, Conceptualization*

مقدمه: رویکرد نوین معناشناسی شناختی، به عنوان یکی از شاخه‌های علوم شناختی، امروزه زمینه‌ی گسترده‌ای از مطالعات میان‌رشته‌ای را فراهم ساخته است. در این مقاله تلاش شده تا به کمک یکی از نظریه‌های مطرح در این رویکرد، تحت عنوان آمیختگی مفهومی فوکونیه و ترنر، مؤلفه‌های شناختی فرایند مفهوم‌سازی در آیات قرآن تبیین شود. محدوده‌ی بررسی تحقیق، ۱۵ جزء دوم قرآن است. پرسش اصلی مقاله این است که آیا با استناد به مبانی نظریه‌ی آمیختگی، فرایند ساخت مفاهیم قرآنی تبیین پذیر است؟ بر اساس فرض ما می‌توان فرایند ساخت مفاهیم (شیوه‌های مفهوم‌سازی) قرآن را با استفاده از چارچوب نظریه‌ی آمیختگی تبیین کرد. روش: داده‌ها به کمک فیش‌برداری و بر پایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای و نیز با استفاده از منابع تفسیری معتبر و نرم‌افزار پژوهشی جامع تفاسیر نور جمع‌آوری و به شیوه‌ی علمی توصیفی - تحلیلی بررسی شدند. یافته‌ها: نتایج این بررسی نشان می‌دهد که از منظر معناشناسی شناختی و بر پایه‌ی مفاهیم عینی در ساختار معنایی قرآن، کاربست نظریه‌ی آمیختگی می‌تواند در تبیین ساخت مفاهیم انتزاعی راه‌گشا باشد، ضمن اینکه این شیوه‌ی مفهوم‌سازی ریشه در رابطه‌ی زبان و ذهن دارد. نتیجه‌گیری: در نهایت معلوم شد که با استفاده از انگاره‌ی چهارفضایی آمیختگی و مطابق دسته‌بندی‌های فوکونیه و ترنر از آمیزه‌های مفهومی در این چارچوب نظری، می‌توان چگونگی مفهوم‌سازی‌های قرآنی را در ورای ساختار چندوجهی این کتاب آسمانی نشان داد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، معناشناسی شناختی، نظریه‌ی آمیختگی، مفهوم‌سازی

Gholamhassan Oraki

Ph.D. Student, Department of Linguistics, Khuzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran and Department of Linguistics, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Elkhas vaysi*

Associate Professor, Department of linguistics & Foreign Languages, Payam Noor University, Iran

Mansoor shekaramiz

Assistant Professor, Department of linguistics & Foreign Languages, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

*Corresponding Author:

Email: elkhas@yahoo.com

مقدمه

ساختارهای زبانی و معنایی در حوزه‌های علوم مختلف به ویژه علوم دینی فراهم ساخته (آرای استعاره‌ای مفهومی، مجاز مفهومی و اخیراً فضاهاى ذهنی بوده، اما در این مقاله تلاش می‌شود تا به کمک رویکرد آمیختگی مفهومی، ساختار معنایی متن قرآن کریم در محدوده‌ی ۱۵ جزء دوم آن بررسی و تحلیل شود. در واقع مسأله‌ی اصلی پژوهش حاضر این است که آیا با استناد به مبانی نظریه‌ی آمیختگی، می‌توان نظام مفهومی قرآن را تحلیل کرد؟ در پاسخ به این پرسش، فرض ما این است که با استفاده از چارچوب شناختی نظریه‌ی آمیختگی می‌توان ساختار مفهومی متن قرآن را تبیین کرد.

بر اساس اطلاعات نگارندگان، تاکنون درباره‌ی کتاب آسمانی قرآن از این حیث مستقلاً مطالعه نشده، بنابراین پژوهش حاضر در کشف مفهوم‌سازی‌های قرآن، ابعاد جدیدی از معارف بیکران آن را به ما معرفی خواهد کرد.

پیشینه‌ی پژوهشی

۱. مطالعات داخلی

محققان از قرون اولیه‌ی اسلام تا کنون، کتاب آسمانی قرآن را از وجوه گوناگون و از زوایای متعدد بررسی کرده‌اند. برخی پژوهش-گران حوزه‌ی علوم قرآنی فرایند ساخت و ادراک مفاهیم قرآنی تحت عناوین سبک بلاغی قرآن، وجوه و نظایر، تصویرسازهای قرآن و ساختار زبانی آن را بررسی کرده‌اند، اما مطالعات پژوهشی در چارچوب نظریه‌ی آمیختگی مفهومی بسیار اندک است. در ایران نیز، شاید به دلیل تازگی این نظریه، تاکنون مطالعات چندانی نشده است و در این زمینه فقط می‌توان به چند پایان‌نامه‌ی دانشگاهی اشاره کرد که به نوعی در چارچوب این رویکرد تدوین شده‌اند.

جوانمرد (۳) در یافته‌های پژوهشی پایان‌نامه‌ی کارشناسی

تاریخچه‌ی شکل‌گیری رویکرد معناشناسی شناختی^۱ را باید در مباحث علوم شناختی مربوط به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی دنبال کرد. بعد از پایه‌گذاری انجمن بین‌المللی زبان‌شناسی شناختی^۲ و تعامل آن با شاخه‌های علمی متنوعی همچون روان‌شناسی، هوش مصنوعی، عصب‌شناسی، فلسفه و نقد ادبی، مطالعات میان‌رشته‌ای گسترده‌ای در این حوزه شکل گرفت. در ادامه، پژوهش‌های زبان‌شناسان شناختی همچون لیکاف^۳، فیلمور^۴، جانسون^۵، تالمی^۶، فوکونیه^۷ و ترنر^۸ درباره‌ی «معنا»، زمینه‌ی پیدایش نگرش جدیدی در مطالعه‌ی معنا تحت عنوان معناشناسی شناختی را فراهم کرد. این رویکرد که حاصل آرای گوناگون زبان‌شناسان شناختی است، چارچوبی انعطاف‌پذیر دارد و به معنا به عنوان ماهیتی پویا می‌نگرد که از تعامل دانش درون‌زبانی و برون‌زبانی به وجود می‌آید. در واقع، دانش زبانی مستقل از قوه‌ی شناخت و اندیشه در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به عنوان بخشی از استعداد شناختی شناخته می‌شود. این رویکرد به طرح سازوکارهای شناختی، که در سازمان‌دهی معانی و مفاهیم تأثیرگذارند، پرداخته است. لیکاف و جانسون (۱) نخستین بار این موضوع را مطرح کردند که فرایند ساخت و ادراک مفاهیم در زبان‌های بشری، که تحت عنوان «مفهوم‌سازی»^۹ از آن یاد می‌شود، برپایه‌ی ابزار شناختی استعاره^{۱۰} و مجاز^{۱۱} و طرح‌واره‌های تصویری^{۱۲} شکل می‌گیرد. در همین راستا، یکی دیگر از سازوکارهای شناختی که اخیراً فوکونیه و ترنر با هدف کاهش مفاهیم پیچیده و انتزاعی زبان در مقیاس بشری مطرح کردند، نظریه‌ی «آمیختگی مفهومی»^{۱۳} (۲) است که با نگاهی جامع به شیوه‌های مفهوم‌سازی و ساختارهای معنایی متون مختلف می‌پردازد. این نظریه در حقیقت برآیند آرای شناختی قبلی، یعنی استعاره‌ی ادراکی^{۱۴} و فضاهاى ذهنی^{۱۵} است.

اگرچه پیش از این، چارچوب مطالعات زبانی مربوط به حوزه‌ی معناشناسی شناختی (که در میان علوم شناختی دستاوردهای آن بیشترین زمینه‌های مطالعاتی را در تحلیل

1- Cognitive semantics	9- Conceptualization
2- International Cognitive Linguistics Association	10- Metaphor
3- Lakoff	11- Metonymy
4- Fillmore	12- Image metaphor
5- Johnson	13- The conceptual blending theory
6- Talmy	14- Conceptual metaphor theory
7- Fauconnier	15- Mental spaces theory
8- Turner	

۲. مطالعات خارجی

ایزو تسو (۸) در کتاب «خدا و انسان در قرآن» درباره‌ی ویژگی‌های زبانی قرآن آورده است که کلمات کلیدی قرآن در ارتباط با هم به کار رفته و معانی خود را از مجموعه دستگاه ارتباطی که با هم دارند به دست می‌آورد. طه الزینی (۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «معیارهایی برای ترجمه و ارزیابی استعارات قرآنی؛ رویکردی مقابله‌ای-تحلیلی»، به تحلیل رویکردهای شش مترجم به برگردان استعاره پرداخته و به این نتیجه رسیده که هر کدام روش مختلفی را در ترجمه‌ی استعاره اختیار کرده‌اند.

همچنین از سال ۱۹۹۴، پژوهش‌های خارجی در مورد نظریه‌ی آمیختگی مفهومی آغاز شده است. فوکونیه و ترنر در راستای رفع ناتوانی‌های نظریه‌های شناختی پیشین و تبیین ساختارهای مفهومی پیچیده و همچنین تکمیل دو نظریه‌ی شناختی قبلی؛ یعنی نظریه‌ی «معاصر استعاره»^۱ لیکاف و جانسون (۲) و نظریه‌ی «فضاهای ذهنی» فوکونیه (۱۰) با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «ادغام مفهومی و بیان رسمی» به طرح این رویکرد شناختی نوین پرداختند. در ادامه‌ی همین مطالعات ژیل فوکونیه و مارک ترنر (۱) در کتاب دیگری به نام «شیوه‌ی اندیشیدن ما» به تفصیل نظریه‌ی آمیختگی مفهومی را معرفی کردند. گرچه این نظریه با نام فوکونیه و ترنر پیوند خورده، اما افرادی همچون فریمن (۱۱)، کالسون (۱۲) و ایوانز و گرین (۱۳) نیز در آثار خود به این نظریه پرداخته و کارایی آن را در موارد مختلف همراه با شواهد شرح داده‌اند.

چارچوب نظری پژوهش

خاستگاه نظریه‌ی «آمیختگی» تحقیقات فوکونیه و ترنر است. اگرچه ترنر در راستای تکمیل مطالعات مربوط به «استعاره‌ی مفهومی» لیکاف (۲) می‌کوشید و فوکونیه در پی یافتن راه حلی برای مشکلات فرایند ساخت معنا در زبان، روی نظریه‌ی فضاهای ذهنی کار می‌کرد، اما آنها در مطالعات مشترک به این نتیجه رسیدند که استعاره‌ی

ارشد خود تحت عنوان «نقش فرایند تلفیق مفهومی در روند شکل‌گیری اصطلاحات فارسی خودمانی جوانان» به این نتیجه رسیده که بیشتر اصطلاحات عامیانه‌ی جوانان از نظر ساختاری جزء تلفیق‌های ساده و از نظر نوع شبکه‌ی یک‌پارچه‌سازی، جزء تلفیق‌های دو حوزه‌ای هستند. رستمی (۴) در پایانامه‌ی کارشناسی ارشد خود با نام «جملات شرطی در زبان فارسی» در چارچوب رویکرد آمیختگی مفهومی به بررسی ساخت‌های شرطی در زبان فارسی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این جملات دسته‌بندی چهارگانه‌ای دارند. وی برای هر یک از آنها نمونه‌هایی ذکر کرده است. اردبیلی (۵) در رساله‌ی دکترای تخصصی خود تحت عنوان «معناشناسی شناختی و کارکرد نظریه‌ی آمیختگی مفهومی در قصه‌های ایرانی» به کاربست آمیختگی مفهومی در تحلیل پیوستگی معنایی و تفسیر متن در داستان‌های کودکان پرداخته و نشان داده که بر پایه‌ی مبانی این چارچوب نظری، می‌توان چگونگی تصویرسازی در ذهن مخاطب و پیوستگی معنایی این تصاویر را نمایش داد. لاری متفکر (۶) نیز در تحقیقی در باب «بررسی آمیزش مفاهیم در نمونه‌هایی از عناوین خبری» عناوین بخش ورزشی خبر جنوب را بررسی کرده و ضمن یافتن آمیزه‌های مفهومی استفاده شده در این عناوین، به طبقه‌بندی و ارزیابی کیفی و آماری آنها پرداخته است.

در این میان فقط ابراهیم پور (۷) در رساله‌ی دکترای خود با نام «بررسی زبان شناختی استعاره در قرآن»، رویکرد نظریه‌ی معاصر استعاره، انواع استعاره‌های مفهومی، ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی را در ۱۵ جزء نخست قرآن کریم بررسی و به این نتیجه رسیده که استعاره‌های موجود در قرآن طبق مدل شناختی باهم پیوند برقرار کرده و دارای مبانی تجربی جسمانی و فرهنگی است. به نظر می‌رسد که بر پایه‌ی رویکرد پژوهش پیش‌رو به کتاب آسمانی قرآن کریم، تاکنون مطالعه‌ی منسجم صورت نگرفته، بنابراین پژوهش حاضر را می‌توان نخستین مطالعه‌ی مستقل در این راستا قلمداد کرد.

1- The contemporary theory of metaphor

حوزه‌ی مقصد (جراح) بر اساس حوزه‌ی مبدأ (قصاب) نیست، بلکه هدف‌گوینده، بیان‌بی‌کفایتی جراح است که در جمله‌ی فوق، این مفهوم از هیچ یک از حوزه‌های مبدأ و مقصد برداشت نمی‌شود.

فوکونیه و ترنر برای توضیح این مسأله که دریافت مفهوم «بی‌کفایتی» از کدام بخش از این جمله نشأت می‌گیرد، قایل به حوزه‌ای به نام «نوپدید» می‌شوند که حاصل ادغام دو حوزه‌ی جراح و قصاب است. به نظر آنها معنای جمله از حاصل جمع معانی واحدهای سازنده‌ی آن درک نمی‌شود، بلکه ساختاری پیدایشی دارد. بر این اساس و با اعتقاد به اینکه آمیزش مفاهیم (که از عمکردهای بنیادین ذهن بشر است) زمینه‌ی تکامل شناختی آدمیان را فراهم کرده، در کتاب «شیوه‌ی اندیشیدن ما»، نظریه‌ی آمیختگی مفهومی را مطرح کردند (۱). در آمیختگی، دو مفهوم مشابه و مخالف و یا نزدیک (به طوری که امکان تصادم میان آنها وجود داشته باشد) با هم ترکیب می‌شوند تا ساختاری جدید و معنایی تازه تولید کنند.

به طور کلی، شکل ساده‌ی یک مدل آمیختگی مفهومی، دست‌کم دارای دو فضای درون‌داد است. این فضاها در درون‌دادی را می‌توان فضاهایی کاملاً مستقل از هم در نظر گرفت که محتوای آنها نیز کاملاً مجزاست. در واقع این فضاها درون‌دادی، اطلاعات خود را از دانش دایره‌المعارفی^۹ به دست می‌آورند؛ یعنی دانشی که با توجه به تجارب زیستی در ذهن ما ذخیره شده‌اند. انطباق یا همان نگاشت (که قبلاً به آن اشاره شد) به عناصر موجود در این فضاها کمک می‌کند تا زمینه‌ی ارتباط میان فضاها درون‌دادی در ساختار آمیختگی فراهم شود.

فضای سوم در ساختار آمیختگی، موسوم به فضای عام یا فراگیر، دربردارنده‌ی عناصری طرح‌واره‌ای است

مفهومی که بر پایه‌ی نگاشت^۱ بین دو قلمروی حوزه‌ی مبدأ^۲ یا محسوس و حوزه‌ی مقصد^۳ یا نامحسوس شکل می‌گیرد، در مواردی نمی‌تواند به طور کامل، ساختارهای زبانی پیچیده و فرایندهای ادراکی را توضیح دهد و از سوی دیگر، رویکرد فضاها‌ی ذهنی نیز قابلیت تبیین مسایل پیچیده‌ی زبانی و معنایی را ندارد. به اعتقاد آنان برای درک پیچیدگی‌های اندیشه‌ی آدمی، الگوهای دو دامنه‌ای کفایت نمی‌کند، بلکه در تشریح اندیشه‌ی تصویری انسان باید یک الگوی شبکه‌ای فراهم آورد. بنابراین آنها با ترکیب جنبه‌هایی در قالب نظریه‌های استعاره‌ی مفهومی و فضاها‌ی ذهنی، نظریه‌ی نوینی به نام «شبکه‌های ادغام یا تلفیق»^۴ بنیان نهادند که به نظریه‌ی «آمیختگی مفهومی» نیز معروف است.

این نظریه در واقع تلاشی است برای دستیابی به فضاها‌ی مجهول از طریق فضاها‌ی معلوم که زمینه‌ی درک مفاهیم پیچیده را به شیوه‌ای جدید فراهم می‌سازد. بر پایه‌ی این رویکرد، ادغام‌ها به صورت الگوهای مجزا صورت نمی‌گیرند، بلکه در قالب شبکه‌ای از ادغام‌های مفهومی عمل می‌کنند. در شکل‌گیری معنا، چهار فضا دخیل است که عبارت‌اند از: ۱. فضای درون‌داده^۵ شماره‌ی ۱ که همان فضای مفهومی قلمروی مبدأ به‌شمار می‌رود. ۲. فضای درون‌داد شماره‌ی ۲ که در حقیقت، فضای مفهومی قلمروی مقصد در نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی است. ۳. فضای عام یا کلی^۶ که شامل ساختاری انتزاعی و طرح‌واره‌ای^۷ است و میان همه‌ی فضاها‌ی موجود در شبکه مشترک است. ۴. فضای چهارم که فضای ادغام یا آمیخته است و به وسیله‌ی فرافکنی دو فضای درون‌داد شکل می‌گیرد. این فضا که با نگاشت بخشی از ساختارها با انگاره‌های شناختی موجود در شبکه‌ی مفهومی و فرافکنی آن ساختار از فضای درون‌داد به فضای چهارم شکل گرفته، ساختاری نوظهور یا نوپدید^۸ تولید می‌کند که با قوه‌ی استدلال و استنباط انسان مرتبط است. به طور مثال در جمله‌ی «آن جراح، قصاب است» از نظر استعاره‌ی دو حوزه‌ی شناختی جراح و قصاب وجود دارد، اما هدف از بیان این جمله صرفاً مفهوم‌سازی

1- Mapping

2- Source domain

3- Target domain

4- Blending network

5- Input space

6- Generic space

7- Schematic structure

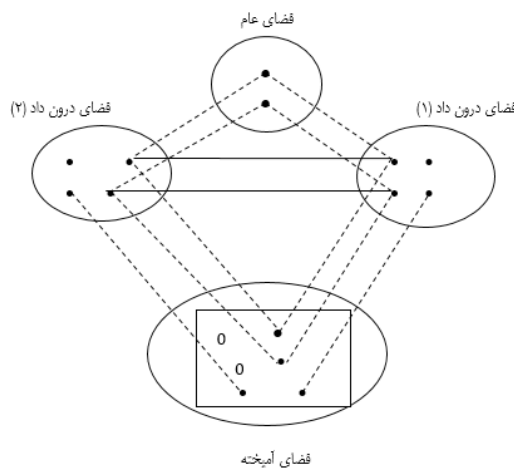
8- Emergent structure

9- Encyclopedic knowledge

نظر فوکونیه و ترنر (۱۴) ساختار آمیختگی از درون دادها کپی برداری نشده است. به عبارت دیگر، ساختار نوظهور دارای ساختاری است کاملاً بدیع که از عناصری تشکیل می‌شود که به‌طور مشخص در هیچ یک از درون دادها وجود ندارند. ارتباط و پیوستگی فضاهای سازندهی آمیختگی مفهومی را به صورت تفکیک شده می‌توان در شکل یک مشاهده کرد.

که در هر دو فضای درون داد مشترک است و سرانجام چهارمین فضا، فضای آمیخته است که مشخصه‌ی آن ساختار نوظهور به عنوان محصول نهایی آمیختگی مفهومی است. در این فضا، عناصر موجود در فضاهای درون داد با یکدیگر می‌آمیزند و از این درهم آمیختگی، مفهوم یا موقعیت جدیدی خلق می‌شود. نکته‌ی بسیار مهم این است که این ساختار نوظهور در فضای آمیخته، حاصل سه فرآیند ترکیب^۱، بسط^۲ و تکمیل^۳ است. به

نمودار ۱- تعامل فضاهای ذهنی در الگوی شبکه‌ای و آمیختگی مفهومی فوکونیه و ترنر (۱۹۹۸)



مختص خود را می‌سازد که حاصل مجاورت و هم‌نشینی عناصر فضاهای درون دادی است.

فوکونیه و ترنر (۱) معتقدند که مخاطبان با شناسایی ساختارهای مشترک بین دو درون داد، امکان ترکیب آنها را برای تشکیل فضای آمیخته فراهم می‌کنند. در نمودار ۱، ساختار نوپدید در فضای آمیخته در قالب یک مربع با نقاط توخالی نشان داده شده است. دیگر اینکه در فضای آمیخته، ساختارهای بدیع حد و مرز مشخصی ندارند؛ یعنی همواره ابعاد تازه‌تری را در بر می‌گیرند. به عبارت دیگر، فضاهای تلفیقی اگرچه از شبکه‌ها و عناصر فضای درون دادی بهره می‌گیرند، ولی

همان طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، فضای درون داد ۱ در واقع همان حوزه‌ی مبدأ و فضای درون داد ۲ حوزه‌ی مقصد در نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی است و ویژگی‌های مستقلی که میان دو حوزه‌ی درون داد مشترک‌اند، بر حوزه‌ی فضای عام منطبق شده و همین آمیختگی اشتراکات دو حوزه سبب می‌شود در فضای آمیخته ساختاری نوپدید، که در هیچ یک از درون دادها وجود ندارد و در واقع هدف نظریه‌ی آمیختگی هم دستیابی به این ساختار معنایی جدید است، ظاهر شود. وجود خطوط میان دو فضای درون داد، نشانه‌ی انطباق بین عناصر دو فضای درون دادی و همچنین فرافکنی بین فضاهاست. فضای آمیخته علاوه بر ساختاری که به طور نسبی از فضاهای درون داد گرفته، مفهومی نوظهور

- 1- Composition
- 2- Maximization
- 3- Completion

وترنر^۱) آیات قرآن (اعم از واژگان، گروه‌ها و عبارات) را از متن عربی آن (۱۵ جزء دوم، از آیه‌ی شریفه‌ی ۷۵ سوره‌ی کهف تا پایان سوره‌ی مبارکه‌ی ناس) بررسی و از این طریق به پاسخ پرسش پژوهش دست یابیم.

تحلیل داده‌ها

پس از مطالعه و بررسی آثار صاحب‌نظران درباره‌ی مبانی نظریه‌ی آمیختگی مفهومی، در این بخش از پژوهش تلاش شده تا با بهره‌گیری از قرآن‌کریم به عنوان منبعی پُر بار برای گردآوری و تحلیل داده‌ها، کارکرد این رویکرد نوین را در تبیین فرایند ساخت و ادراک مفاهیم معنوی و حقایق عقلی در این کتاب آسمانی بررسی تا در نهایت روشن گردد چگونه با استفاده از سازوکار شناختی آمیختگی می‌توان از این مفاهیم و حقایق معنوی در متن قرآن پرده برداشت.

داده‌های این پژوهش (واژگان، گروه‌ها و عبارات) از نیمه‌ی دوم متن عربی قرآن‌کریم (از آیه‌ی شریفه‌ی ۷۵ سوره‌ی کهف تا پایان سوره‌ی مبارکه‌ی ناس) به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و به کمک فیش‌برداری جمع‌آوری شد. دلایل انتخاب نیمه‌ی دوم قرآن به عنوان دامنه‌ی پژوهش این موارد بود: نخست اینکه ۹۶ سوره از سوره‌ی قرآنی در این محدوده قرار دارند و همین گستردگی داده‌های قرآنی، زمینه‌ی سنجش دقیق‌تر چارچوب نظری پژوهش را فراهم می‌کند. دیگر اینکه همان‌طور که قبلاً بیان شد، بیشتر پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن به محدوده‌ی نیمه‌ی نخست (۱۵ جزء اول) پرداخته‌اند.

شایان ذکر است که مبنای کار نگارنده، حفظ اصالت تعبیر قرآنی در تحلیل داده‌های پژوهش است، زیرا به اعتقاد پژوهشگران علوم قرآنی، تعبیر قرآن کریم بر سیاق خاصی مفهوم‌سازی شده و ساختار مفهومی آنها با تعبیر زبانی متون دیگر متفاوت است.

در بیشتر مواقع به دلیل ساختار نوپا و متفاوت و نیز هم‌پوشانی و تعامل عناصر درون‌دادی، معنای جدیدی می‌آفرینند که در هیچ‌یک از دو فضای درون‌دادی وجود ندارد؛ یعنی در لحظه‌ی شکل‌گیری آمیختگی، عناصر جدیدی که در هیچ‌یک از دو فضای درون‌دادی وجود ندارد، به فضای تلفیقی اضافه شده و معنای جدیدی می‌سازد. فوکونیه و ترنر^{۱۴}) برای اینکه در این الگو، فرایند ساخت معنا محدود شود تا فرافکنی انتخابی به عنوان ساختار نوپدید در نظر گرفته شود، اصول بهینه‌گی ناظر بر عملکرد فرایند آمیختگی مفهومی در ساختارهای زبانی را معرفی کردند. این اصول عبارت‌اند از: تلفیق^۱ شبکه^۲، موقعیت‌سازی^۳، گسترش پیوندها^۴، تکمیل الگو^۵ و ساختن^۶ و اصل ارتباط^۷.

مجموع فضاهای مربوط به یک ساختار زبانی، یک شبکه را تشکیل می‌دهند که به شبکه‌های «آمیختگی یا تلفیق»^۸ شهرت دارند. بر این اساس، فوکونیه و ترنر^۱) آمیزه‌های مفهومی را در چهار گروه دسته‌بندی می‌کنند. گروه اول، شبکه‌های ساده^۹ هستند که به یک حوزه تعلق دارند. گروه دوم، شبکه‌های آینه‌ای یا انعکاسی^{۱۰} که در آنها هر دو حوزه‌ی درون‌داد با چارچوب مشابهی که دارند، مبنای آمیزش مفهومی قرار می‌گیرند. گروه سوم، شبکه‌های تک‌حوزه‌ای^{۱۱} هستند که در آن هر دو درون‌داد چارچوب‌های مجزا دارند، اما از یکی از آنها در آمیزه‌های مفهومی استفاده می‌شود. و گروه آخر، شبکه‌های دو حوزه‌ای^{۱۲} نامیده می‌شوند که در آنها آمیزه‌ی مفهومی با استفاده از هر دو حوزه‌ی شناختی درون‌داد شکل می‌گیرد. به نظر روشن و اردبیلی^{۱۵})، اگرچه تعداد زیادی از شبکه‌های تلفیق، فقط چهار فضا دارند (دو فضای درون‌داد، فضای عام و فضای آمیخته)، اما اینکه فضای آمیخته بتواند به عنوان درون‌دادی برای آمیختگی ساختارهای دیگر عمل کند، در قالب آمیختگی چندگانه مطرح می‌شود که این بسیار رایج است.

در این پژوهش کوشیده‌ایم تا در چارچوب نظریه‌ی آمیختگی مفهومی و گروه‌بندی‌های آن به وسیله‌ی فوکونیه

- | | |
|-------------------------------|----------------------------|
| 1- The Integration principle | 8- Integration networks |
| 2- The web principle | 9- Simple network |
| 3- The topology principle | 10- Mirror network |
| 4- The maximization principle | 11- Single – scope network |
| 5- The pattern completion | 12- Double – scope network |
| 6- Completion | |
| 7- The relevance principle | |

اگر در ترکیب با نفس به کار رود و گفته شود «زهوق النفس»، به معنای هلاک شدن است. کلمه‌ی «حق» در مقابل باطل است و این دو مفهوم متقابل اند. خداوند در کلام خود مثال‌های بسیاری برای حق و باطل زده است. اعتقادات مطابق واقع را حق و خلاف واقع را باطل، زندگی آخرت را حق و زندگی دنیا را با همه‌ی زرق و برقش (که انسان‌ها در طلب آن می‌دوند: مال، جاه و ... باطل دانسته، ذات اقدس خود را حق و سایر اسبابی که انسان‌ها فریب آنها را می‌خورند و به آنها میل پیدا می‌کنند، باطل خوانده است. آیات قرآن سرشار از این معانی است. (۱۶).

تحلیل شناختی: در این بررسی، حق را چنان می‌بینیم که به شدت بر سر باطل کوبیده و آن را می‌شکافد و به هلاکت می‌رساند تا جاودانگی خود را ثابت کند. اکنون ساختار مفهومی آیه، بر پایه‌ی چارچوب نظری در قالب شبکه‌ی مفهومی در نمودار دو نشان داده می‌شود. سیدی (۱۷) در تحلیل این آیه آورده است که: حق در اینجا به صورت مادی مجسم و ظاهر شده و به وسیله‌ی آن بر سر باطل کوبیده می‌شود و آن را از بین می‌برد. در مقابل، باطل هم به صورت مادی محسوس تصویر شده است، اما تصویری ضعیف و ناتوان که بزودی در برابر ضربه‌های حق در همان لحظه‌ی رویارویی از هم می‌پاشد.

کوتاه سخن اینکه محقق در صدد بود تا مفهوم‌سازی‌های قرآن را با تکیه بر چارچوب نظری پژوهش آشکار سازد، اما به دلیل گستردگی ساختارهای آمیزش مفهومی قرآن در محدوده‌ی پژوهش، تلاش شد به ذکر چند نمونه، که به تأمین اهداف مقاله بینجامد، بسنده شود. در ادامه، بر پایه‌ی مبانی چارچوب نظری تحقیق، داده‌ها تحلیل شدند.

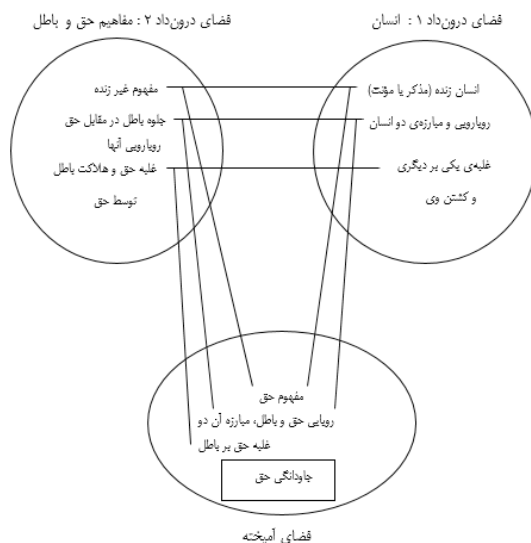
نحوه‌ی بررسی هر داده به این صورت بود که ابتدا آیه‌ی مورد نظر ارائه و تفسیر مرتبط با آن از منابع تفسیری معتبر و نرم‌افزار جامع تفاسیر نور جمع‌آوری شد. سپس نمودار آمیختگی مفهومی هر آیه ترسیم و در نهایت نوع آمیزه‌ی مفهومی آن از نظر نوع شبکه‌ی یک پارچه‌سازی مشخص شد. گفتنی است، تحلیل‌های این پژوهش تحت عنوان «تحلیل شناختی» آورده شده است. از نکات قابل توجه پژوهش این است که گرچه ترکیب ساختار مفهومی از کلیت بیشتری برخوردار است، اما بنا بر اقتضای متن و با تکیه بر این اصل معناشناسی شناختی (که ساختار معنایی، ساختاری مفهومی است)، گاهی به جای ساختار مفهومی از ترکیب ساختار معنایی استفاده شده است. شایان ذکر است که به دلیل اختیاری بودن فضای عام یا فراگیر در نظریه‌ی آمیختگی، که حامل ساختار مفهومی مشترک میان دو فضای درون‌دادی است، در بررسی آیات و ترسیم نمودارهای آمیختگی مرتبط با آنها، از این فضا صرف نظر و معنای نوظهور برآمده از ساختار فضای آمیخته در نمودارهای تحلیل آیات، در درون یک مربع نمایش داده شد.

* آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی انبیا: **بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ**

بلکه ما همیشه حق را بر باطل غالب و فیروز می‌گردانیم تا باطل را محو و نابود سازد و باطل بی‌درنگ نابود می‌شود، و وای بر شما که خدا را به وصف کار باطل و بازیچه متصف می‌گردانید. (ترجمه‌ی الهی‌قمشه‌ای)

تفسیر: کلمه‌ی «قذف» به معنای دور انداختن است و کلمه‌ی «دمغ» به طوری که در مجمع‌البیان آمده، به معنای شکافتن فرق سر تا مغز سر است. کلمه‌ی «زهوق»

نمودار ۲- نمودار شبکه‌ای تعامل فضاهای ذهنی و آمیختگی مفهومی در آیه ۱۸ سوره انبیا



«جاودانگی حق» می‌انجامد. ساختار مفهومی نمودار ۲ نشان می‌دهد که خالق کلام الهی چگونه مفاهیم معنوی و انتزاعی حق و باطل را از حوزه‌ی مقصد با مفاهیم محسوس و عینی مبارزه‌ی دو انسان در هم آمیخته تا از این طریق مراد الهی را در انتقال پیام به بندگان خویش محقق سازد. بر اساس این نمودار، مفهوم جاودانگی حق و پیروزی آن در هر دو جهان در هیچ یک از فضاهای درون‌دادی یک و دو به صراحت بیان نشده، اما از تلفیق ویژگی‌های مشترک مفاهیم دو حوزه‌ی درون‌دادی، این مفهوم اضافی نهفته در پس ساختار مفهومی این آیه‌ی شریفه آشکار می‌شود. در تحلیل ساختار مفهومی آیه، دو عنصر حسی و معنوی در تعامل و تعادل اند. به عبارت روشن‌تر، خالق کلام وحی از ابزار تصویرسازی برای عرضه‌ی حقایق ایمان بهره گرفته تا بر فطرت انسان، که طبعاً به معرفت حسی گرایش دارد، تأثیری قابل توجه بگذارد.

با مقایسه‌ی تفسیر و تحلیل شناختی آیه‌ی شریفه‌ی بالا در می‌یابیم که در تحلیل شناختی هدفی فراتر از تفسیر دنبال شده است، به عبارت روشن‌تر، در تفسیر آن، تنها تعبیر زبانی آیه بررسی شده تا معنا و مراد حقیقی آن بیان شود اما در تحلیل شناختی آیه‌ی مورد نظر، اصول

بر حسب نمودار ۲، از نظر پیچیدگی ساختاری، این آمیختگی ساده است، زیرا بیش از یک فضای آمیختگی ندارد. به عبارت دیگر، ساختار اولیه و معمول مربوط به آمیزه‌های مفهومی، دو فضای درون‌دادی، یک فضای عمومی و یک فضای آمیخته دارد. با توجه به ویژگی شبکه‌ی یک‌پارچه‌سازی و اینکه هر یک از فضاهای درون‌دادی این آمیختگی، چارچوبی متفاوت دارند و فقط یکی از آنها ساختار آمیختگی را تعیین کرده، آمیزه‌ی مفهومی از نوع تک‌حوزه‌ای است. واضح است که مبنای مخاطبان در فرایند ساخت مفاهیم و ادراک آن، انتقال مفاهیم نامحسوس و انتزاعی از طریق مفاهیم عینی و تجربی است.

در آیه‌ی شریفه فوق، معنای نوپدید در فضای آمیخته، حاصل عملکرد هر دو فضای درون‌دادی است؛ یعنی در یک فضا، دو مفهوم انتزاعی حق و باطل در غفلت و گمراهی انسان‌ها در ستیزند و هر یک در تلاش‌اند تا خود را اثبات و رقیب را از صحنه به در کنند.

در فضای دیگر دو انسان متصور شده که در رویارویی با یکدیگر برای بقای خود و هلاکت دیگری مبارزه می‌کنند.

عملکرد مفاهیم میان‌حوزه‌ای، به حدود مفهوم

با مفاهیم «گشودن کتاب آفرینش و جمع کردن آن به وسیلهی خالق» و فضای دیگر با مفاهیم «گشودن کتاب و جمع کردن آن به وسیلهی کاتب» تصویرسازی شده است تا از این طریق مخاطبان وحی بتوانند با پیوند میان این دو فضای ذهنی، مراد الهی را دریابند.

فحوای آیه دال بر این است که شکل جهان به هم می‌خورد، اما مواد آن نابود نمی‌شود. این حقیقتی است که از تعبیرات مختلف در آیات معاد (خلقت مجدد انسان از استخوان پوسیده) به خوبی مشاهده می‌شود. (۲۰). قرابت مفهومی این آیه با آیه ۹ سوره طارق که می‌فرماید «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (روزی که اسرار باطن شخص آشکار شود)، ما را با این مفهوم مواجه می‌سازد که پیچیدن آسمان مقدمه‌ی حساب‌رسی امور ثبت‌شده بر صحیفه‌ی هستی است و نه برای بازگرداندن آسمان‌ها به خزاین غیب.

بررسی ساختار مفهومی آیه، بر اساس مبانی رویکرد آمیختگی و چگونگی تلفیق دو فضای حاکم بر ساختار آن، در نمودار ۳ آمده است.

کلی حاکم بر فرایند مفهوم‌سازی آن نشان داده شده، به ساختار نظام مفهومی آیه و ارتباط شبکه‌ای عناصر موجود در فضاهای درون دادی ساختار آن پرداخته شده است. بنابراین دستاورد این نوع تحلیل در تفسیر آیه از این جهت حائز اهمیت است که نکات ظریف نهفته در ورای ساختار مفهومی آن را نمایان ساخته است.

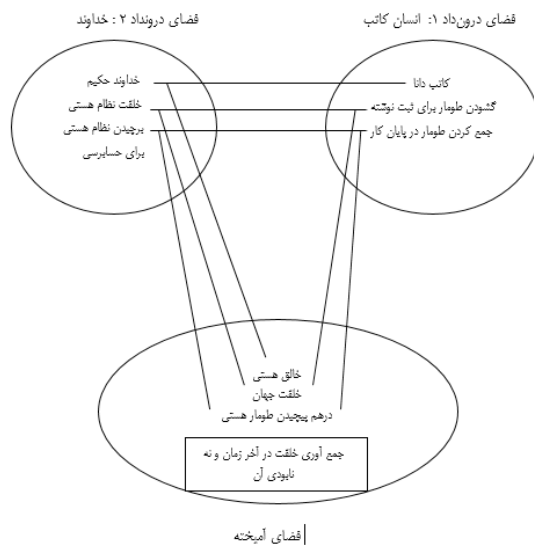
* آیه ۱۰۴ سوره‌ی انبیا: يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ
روزی که آسمان‌ها را مانند طومار در هم پیچیم و به حال اول که آفریدیم باز برگردانیم، این وعده‌ی ماست که البته انجام خواهیم داد. (ترجمه‌ی الهی‌قمشه‌ای)

تفسیر: در زمان‌های گذشته برای نوشتن نامه‌ها و همچنین کتاب‌ها، از اوراق طومار مانند، که آنها را «سجل» می‌نامیدند، استفاده می‌کردند؛ به این شکل که این طومارها را قبل از نوشتن به هم می‌پیچیدند و کاتب به تدریج آن را از یک طرف می‌گشود و مطالب مورد نظر را روی آن می‌نوشت. بعد از پایان کتابت، آن را دوباره می‌پیچیدند و کنار می‌گذاشتند. (۱۸)

علامه‌ی طباطبایی نیز در تفسیر این آیه به معنای سجل اشاره کرده و گفته است: "سجل سنگی بود که روی آن نوشته می‌شد و سپس بر چیزی که بر آن نوشته شود، اطلاق می‌شد". وی در ادامه افزوده که مراد از سجل در آیه‌ی فوق، صحیفه‌ای است که کتاب در آن نوشته شده است و با پیچیده شدن آن، کتاب هم پیچیده می‌شود. بنابراین آسمان، با قدرت الهی روزی پیچیده می‌شود. قائمی‌نیا (۱۹) به نقل از ابن‌عاشور در تفسیر این آیه آورده که معنای «طی آسمان» تغییر اجرام آن از جایی به جایی دیگر و نزدیک شدن بخشی از آن به بخشی دیگر است؛ همچنان که کناره‌های کاغذی که باز شده به هنگامی که آن را می‌پیچند تا در صفحه‌ی دیگر بنویسند، تغییر می‌کند. این تغییر هم مظه‌ری از مظاهر انقراض نظام فعلی عالم است. در این آیه دلیلی بر اضمحلال آسمان‌ها نیست، بلکه دال بر اختلاف نظام آنهاست.

تحلیل شناختی: در ساختار معنایی این آیه‌ی شریفه با دو فضای مفهومی مواجه می‌شویم؛ فضای نخست

نمودار ۳- نمودار شبکه‌ای تعامل فضاهای ذهنی و آمیختگی مفهومی آیه‌ی شریفه‌ی ۱۰۴ سوره‌ی انبیا



يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُوْرُ
 بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه‌ای است طفلانه
 و لهو و عیاشی و زیب و آرایش و تناسخ و خودستایی
 با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان. در مثل
 مانند بارانی است که گیاهی در پی آن از زمین بروید
 که بزرگان (یا کفار دنیاپرست) را به شگفت آورد و
 سپس بنگری که زرد و خشک شود و بیوسد. و در عالم
 آخرت (دنیا طلبان را) عذاب سخت جهنم و (مؤمنان را)
 آمرزش و خشنودی حق نصیب است. و باری، بدانید که
 زندگانی دنیا جز متاع فریب و غرور نیست. (ترجمه‌ی
 الهی‌قمشه‌ای)

تفسیر: حقیقت آیه این است که مثل زندگی دنیا در بهجت و فریبندگی‌اش و سپس زوال و از دست رفتنش، مانند بارانی است که بموقع می‌بارد و باعث رویدن گیاهان و زراعت‌ها می‌شود و زراعت‌کاران از رویدن آنها خوشحال می‌شوند و آن زراعت و گیاه هم چنان رشد می‌کند تا به حد نهایی نمو خود می‌رسد و رفته رفته رو به زردی می‌گذارد و سپس گیاهی خشکیده و شکسته می‌شود و باها از هر سو به سوی دیگرش می‌برند (۱۶).

این تلفیق، به دلیل داشتن یک فضای آمیختگی، از نظر ساختاری، تلفیقی ساده است. از نظر نوع شبکه‌ی یک‌پارچه‌سازی و به این علت که دو فضای درون‌دادی، چارچوبی جداگانه داشته و هر دو چارچوب در ساخت تلفیق (آمیختگی) شرکت داشته‌اند، تلفیقی دو حوزه‌ای است. مفهوم نوپدید در ورای ساختار زبانی آیه، عدم نابودی جهان در آخرالزمان به وسیله‌ی خالق است.

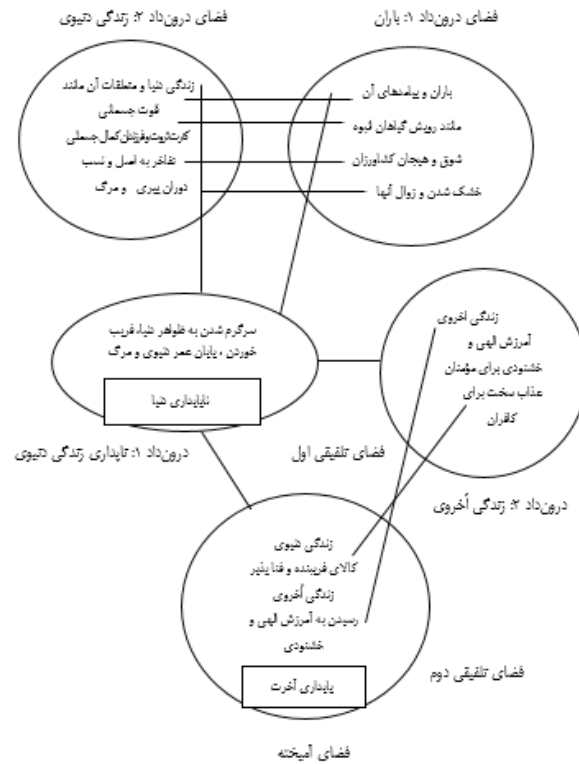
به عبارت دیگر، در حال حاضر طومار عالم هستی گشوده است و تمام نقوش و خطوط آن خوانده می‌شود و هریک در جایی قرار دارد، اما با بر پا شدن قیامت، این طومار با تمامی محتوایش درهم پیچده خواهد شد (نه اینکه نابود و فنا شود).

به طور کلی، دقت در تحلیل شناختی این آیه در چارچوب نظری تحقیق نشان می‌دهد که تفکیک فضاهای ورودی و تعیین فضای تلفیقی یا آمیخته تا چه حد به آشکار شدن شیوه‌ی مفهوم‌سازی‌های قرآنی بر پایه‌ی مقیاس بشری کمک می‌کند که و از همین جا مرز تفسیر و تحلیل شناختی آیه مشخص می‌شود.

* آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی حدید: اَعْلَمُوا اَنَّهَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْاَمْوَالِ وَ الْاَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرْتَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ

تحلیل شناختی: این آیه در قالب چارچوب نظری می‌شود. تحقیق تبیین‌پذیر است و قبل از تحلیل، نمودار آن ترسیم

نمودار ۴- نمودار شبکه‌ای تعامل فضاهای ذهنی و آمیختگی مفهومی آیه‌ی شریفه‌ی ۲۰ سوره‌ی حدید



تلفیق‌های مفهومی آیه‌ی مذکور با سیاق آیه تناسب دارد. اکنون برای درک بهتر ساختار مفهومی آیه در چارچوب نظری تحقیق، آن را در نمودار بعدی نشان می‌دهیم. در ساختار مفهومی این آیه نیز کارایی چارچوب نظری تحقیق در ترسیم فرایند تکوین معنا بخوبی قابل مشاهده است. از این نمودار درمی‌یابیم که معنای ساختار آیه‌ی فوق فراتر از معنای مجموع اجزای ساختاری آن است. در ساختار این آیه بیش از یک فضای تلفیقی وجود دارد، بنابراین ساختار آن تلفیقی (آمیختگی) چندگانه است. به این ترتیب، محصول آمیختگی اول در فضای آمیخته (فریب خوردن، سرگرم شدن، فریب خوردن و زوال ناگهانی زندگی دنیوی) به عنوان درون‌داد اول در آمیختگی دوم به کار رفته و در یک رابطه‌ی هم‌پوشانی، که با درون‌داد دوم برقرار کرده، ساختار مفهومی نهایی را در این تلفیق چندگانه به نمایش گذاشته است.

بر اساس نمودار ۴، در این آیه، فضاهای ذهنی متنوعی با هم در آمیخته‌اند تا از تلفیق مفاهیم و نگاشت میان‌حوزه‌ای مفاهیم تلفیقی (مفهوم نوپدید)، نابودی و فناپذیری دنیا و متعلقاتش برای مخاطبان قابل درک و فهم شود. نخست به امور گوناگون اشاره شده که هر مفهوم، نوعی تصور ذهنی خاص در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. از مجموع این مفاهیم، یک تلفیق مفهومی در حوزه‌ی مبدأ (حوزه‌ی مفهومی تجربی) تشکیل شده که به وسیله‌ی مجموعه‌ی تلفیق مفهومی دیگر (شامل کَمَثَلُ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَّاءًا)، مبنای ادراک مفاهیم انتزاعی «فنا» و «ناپایداری دنیا و مافیها» فراهم آمده است. و در پایان، فضای مربوط به «زندگی اخروی» در پیوند با «نتیجه‌ی زندگی فریبنده‌ی دنیوی» برای مخاطبان این کتاب آسمانی ترسیم شده است. گفتنی است که هریک از

«قبضه» به معنای چیزی است که در مشت می‌گیرند و معمولاً کنایه از قدرت مطلقه و سلطه‌ی کامل بر چیزی است. «مطویات» از ماده‌ی «طی» به معنای «به هم پیچیدن» است که گاه کنایه از گذشتن عمر یا عبور از چیزی است. تعبیر فوق در مورد آسمان‌ها با وضوح بیشتری در آیه‌ی ۱۰۴ سوره‌ی انبیا هم آمده است: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِكُتُبٍ»: در آن روز آسمان‌ها را همچون طوماری درهم می‌پیچیم. کسی که طوماری را درهم پیچیده و در دست راست گرفته، کامل‌ترین تسلط را بر آن دارد. مخصوصاً انتخاب «یمین» (دست راست) به این دلیل است که غالب اشخاص کارهای اصلی خود را با دست راست انجام می‌دهند و قوت و قدرت بیشتری در آن احساس می‌کنند.

کوتاه سخن اینکه، همه این تشبیهات و تعبیرات، به سلطه‌ی مطلق پروردگار بر عالم هستی در جهان دیگر اشاره دارد تا همگان بدانند در عالم قیامت نیز کلید نجات و حل مشکلات در کف قدرت اوست و به بهانه‌ی شفاعت و مانند آن به سراغ بت‌ها و سایر معبودها نروند. چرا سخن از آخرت می‌گوید؟ پاسخ این است که در آن روز قدرت خداوند از هر زمان آشکارتر و به مرحله‌ی ظهور و بروز نهایی رسیده است و همگان به روشنی درمی‌یابند که همه چیز از آن و در اختیار اوست. به علاوه، ممکن است بعضی به بهانه‌ی نجات در قیامت به سراغ غیرخدا بروند، همان گونه که مسیحیان برای توجیه پرستش عیسی مسیح (ع)، موضوع «نجات» را پیش می‌کشند، بنابراین بهتر است که از قدرت خداوند در قیامت سخن گفته شود. به هر حال بعد از بیانات فوق، در آخر آیه با یک نتیجه‌گیری فشرده و گویا می‌فرماید: «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» یعنی منزه و پاک و بلندمقام است از شریک‌هایی که برای او درست می‌کنند. اگر انسان‌ها با مقیاس‌های کوچک اندیشه‌های خود درباره‌ی ذات پاک او قضاوت نمی‌کردند، هرگز به بیراهه‌های شرک و بت‌پرستی نمی‌افتادند (۱۷).

تحلیل شناختی: در این آیه، اسما، صفات و افعال الهی در درون نظام روابط بیانی و تصویری با هم ارتباط

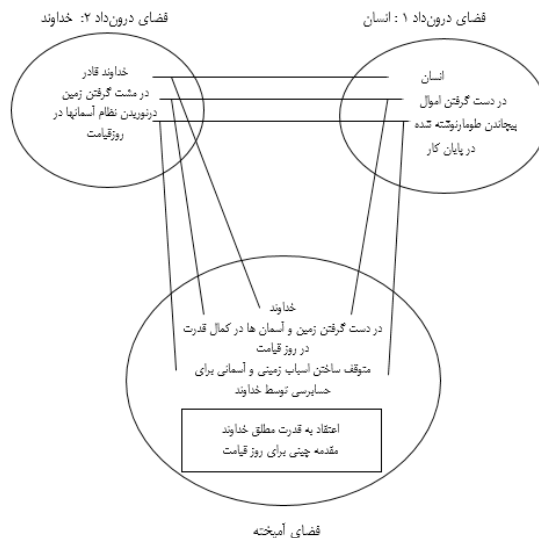
ساختار آیه دارای آمیختگی چندگانه و از نظر نوع شبکه‌ی یک‌پارچه‌سازی تلفیق اول و دوم، دو حوزه‌ای است، زیرا هر درون‌داد در هر دو تلفیق، با چارچوبی جداگانه در ساخت تلفیق نیز شرکت کرده است. به عبارت آشکارتر، خالق وحی در مفهوم‌سازی این آیه، با تصویرسازی از زوال‌پذیری دنیا، بلافاصله با ذکر آخرت به عنوان جهان پایدار از طریق برقراری رابطه‌ی تضاد ضمنی (که در ابتدای ساختار آیه و پایان آن به وجود آمده)، مخاطبان را با این مفاهیم مواجه ساخته که دنیا با همه‌ی تصاویر زیبا و تعلقات فریبده‌اش، زوال‌پذیر و آخرت با همه‌ی مواهبش ماندگار و جاودانی است. در این آیه، نگاهت‌های مفهومی در میان حوزه‌ی مفاهیم زندگی انسان از یک طرف در دنیا و از طرف دیگر در زندگی نباتی دیده می‌شود. در واقع، ساختار معنایی آیه، مخاطبان را در برابر دو تصویر متقابل قرار داده، تا از این طریق زمینه‌ی تحقق موعظه و تأثیر دینی به عنوان کارکرد اصلی این تصویرسازی فراهم شود. به طور کلی، از تحلیل این گونه مفهوم‌سازی‌های قرآنی در ساختار آیات معلوم می‌شود که خداوند متعال به منظور روشن شدن معانی، جلب نظر و توجه مخاطبان و انتقال مفاهیم والای معنوی و تعلیم دستورات اخلاقی و حقایق دینی و سهولت فهم مطالب و نفوذ مفاهیم عمیق معنوی در روح و جان آدمی، در ساختار آیات کتاب آسمانی قرآن از این شیوه‌ی مفهوم‌سازی بهره برده است.

* آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی زمر: وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

و (آنان که غیر خدا را طلبیدند) خدا را چنان که شاید به عظمت نشناختند، و اوست که روز قیامت زمین در قبضه‌ی قدرت او و آسمان‌ها در پیچیده به دست سلطنت اوست. آن ذات پاک یکتا منه و متعالی از شرک مشرکان (بلکه از فکر موحدان) است. (ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای) تفسیر: «وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ»: تمام زمین در روز قیامت در قبضه‌ی او قرار دارد و آسمان‌ها پیچیده در دست راست اوست.

یافته‌اند. نظام مفهومی آیه در قالب نمودار ۵ نمایش داده شده است.

نمودار ۵- نمودار شبکه‌ای تعامل فضاهای ذهنی و آمیختگی مفهومی آیه‌ی شریفی ۶۷ سوره‌ی زمر



مرحله‌ی قیامت تأکید می‌کند؛ نکته‌ای که در کانون توجه قرار دارد

براساس مبانی نظریه‌ی آمیختگی، درک مفاهیم حوزه‌ی نامحسوس مقصد از طریق حوزه‌ی ملموس مبدأ بر پایه‌ی تصویرسازی شکل می‌گیرد. بر همین روال، مخاطبان کتاب آسمانی قرآن از طریق مفاهیم عینی و تجربی درون‌داد اول در آیه‌ی فوق به درک مفاهیم انتزاعی و معنوی درون‌داد دوم دست می‌یابند. درحقیقت، تلفیق عناصر مفهومی دو حوزه‌ی درون‌دادی، عناصر مفهومی فضای آمیخته را فراهم ساخته و به دنبال این مفهوم‌سازی، مفهوم نوپدید (که در مربع نشان داده شده) تجلی یافته است.

با توجه به ساختار چندوجهی زبان قرآن، اطلاعات اضافی، در بستر تعامل فضاهای مفهومی حاکم بر آیه و در ورای ساختار زبانی آن تشکیل می‌شود. این اطلاعات اضافی در فضای آمیخته‌ی نمودار تلفیقی آیه نشان داده شده است. اگرچه بر پایه‌ی تفسیر علامه طباطبایی، این آیه سلطه‌ی مطلق پروردگار بر عالم هستی و در جهان دیگر را به روشنی نشان داده تا بی‌اعتباری گرایش مشرکان به پرستش غیر خدا نمایش داده شود، اما در چارچوب

بر پایه‌ی نمودار ۵ (آمیختگی مفهومی آیه‌ی فوق)، ما با دو فضای تلفیقی مواجه هستیم. از نظر ساختاری، تلفیقی ساده، از نظر نوع شبکه یک پارچه‌سازی و از آنجا که دو فضای درون‌دادی، چارچوبی جداگانه و هر دو چارچوب در ساخت تلفیق (آمیختگی) شرکت داشته‌اند، تلفیقی دو حوزه‌ای است. در فضای درون‌داد "۱" به عنوان حوزه‌ی مفهومی مبدأ، انسان اموال و یا متعلقات خود را محکم در یک دست گرفته و در دست راست طوماری دارد که آن را در پایان نگارش در هم پیچیده است.

در فضای درون‌داد "۲"، به عنوان حوزه‌ی مفهومی مقصد، خداوند قادر در کمال قدرت، زمین را در یک مشت و آسمانها را در ید قدرت (دست راست) درهم پیچیده است. خالق وحی از طریق تعامل میان فضاهای حاکم بر آیه، به دنبال ایجاد تصویر کلی از مقصود خویش در ذهن مخاطبان است.

به تعبیر قائمی‌نیا (۱۳۹۰)، ساختار آیه نه فقط بر قدرت مطلقه‌ی خداوند دلالت دارد، بلکه او می‌تواند نظام همه‌ی اسباب دنیوی را کنار بزند و یکجا متوقف سازد؛ اما مقصود اصلی آیه این نیست، بلکه ساختار مفهومی آیه بر برچیده شدن نظام زمین و آسمانها و ورود به

از شیر و بیان انگیزه‌ی آنها از تکذیب). حال کفار را در اعراض از تذکره به «حمر» که جمع حمار است تشبیه کرده و البته منظور از حمار وحشی گورخر و «استنفار» به معنای نفرت است و کلمه‌ی «قسوره» به معنای شیر و شکارچی است و چون به هر دو معنا تفسیر شده، معنای آیه این است: این کفار در حالی از تذکره نفرت و اعراض می‌کنند که گویی خران وحشی‌اند و از شیر و یا شکارچی می‌گیرند (۱۶).

تحلیل شناختی: تجسم و آشکار کردن مفاهیم منبع معنوی در قالب تصاویر محسوسی که آکنده از پویایی است، از ویژگی‌های ساختار مفهومی آیات فوق است، زیرا امور حسی با جان آدمی پیوند می‌خورد و بر آن تأثیر می‌گذارد. ساختار مفهومی هر سه آیه به هم پیوند خورده تا مقصود الهی را بر اساس تصاویر محسوس، به مخاطبان منتقل کند. نمودار زیر، ساختار معنایی آیات فوق را بر پایه‌ی نظریه‌ی آمیختگی بخوبی نشان می‌دهد.

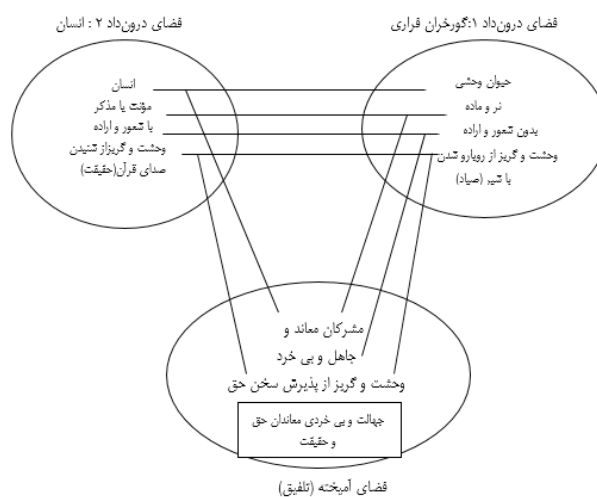
نظریه‌ی آمیختگی، علاوه بر اطلاعات ارزنده‌ی تفسیر علامه از این آیه، مطابق بافت زبانی (سیاق) آیه، مفاهیم «قبضه‌ی زمین» و «پسچاندن آسمان‌ها» حاکی از آن است که خداوند قادر و حکیم با فضا‌سازی ماهرانه در این آیه، مقدمه‌چینی روز قیامت را کانون توجه قرار داده که این مطلب در آیات بعدی توصیف شده است. این بخش از ساختار آیه، مشابه آیه‌ی ۱۰۴ سوره‌ی انبیاست که این تشابه ساختاری آیات و تفاوت در مفهوم‌سازی آنها نیز در قالب این چارچوب نظری تبیین شده است.

* آیات ۴۹ تا ۵۱ سوره‌ی مدثر: **فَمَالَهُمْ عَنِ التَّذِكْرِهُ مُعْرِضِينَ / كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ / فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ**

اینک چرا از یاد آن روز سخت خود (و از ذکر و اندرز قرآن) اعراض می‌کنند؟ گویی گورخران گریزانی هستند که از شیر درنده می‌گیرند. (ترجمه‌ی الهی‌قمشه‌ای)

تفسیر: چرا با اینکه واجب بود بر آنان که قرآن را تصدیق کنند و بدان ایمان آورند، از آن اعراض کردند و این جای تعجب است: «كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» (تشبیه کفار اعراض‌کننده از قرآن، به گورخران رمیده

نمودار ۶- نمودار شبکه‌ای تعامل فضاهای ذهنی و آمیختگی مفهومی آیات ۴۹، ۵۰ و ۵۱ سوره‌ی مدثر



به نقل از زَمَخْشَرِي آورده که تشبیه کافران به الاغ‌ها، سرزنش ظاهری و زشت جلوه دادن حالت آنهاست، بنابراین بسیاری از حقایق مجرد و انتزاعی دینی فقط در

بر اساس نمودار ۶، از نظر ساختاری، نوع آمیزه‌ی مفهومی آیه ساده و از نظر نوع شبکه‌ی یک‌پارچه‌سازی، آمیختگی آن از نوع دو حوزه‌ای است. درباره‌ی این آیه، سیدی (۱۸)

را در قالب مفهوم‌سازهای متناسب و هماهنگ با اندیشه‌ی بشری بیان کرده است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که یافته‌های این تحلیل در حدود ظرفیت خود، به پرسش تحقیق که بررسی کارکرد نظریه‌ی آمیختگی در تبیین فرایند ساخت مفاهیم قرآنی بر مبنای فهم بشری است، پاسخی مثبت داده و فرضیه‌ی مطرح شده در آغاز تحقیق را نیز تأیید کرده است.

بررسی نمودارهای آمیختگی مفهومی در داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که ساختار آمیختگی مفهومی آیات از هر دو نوع ساده و چندگانه است؛ به این صورت که آیات دارای یک فضای آمیختگی (تلفیقی)، آمیزه‌ی ساده و آیاتی که بیش از یک فضای تلفیقی دارند، آمیزه‌ی چندگانه‌اند.

از نظر نوع شبکه‌ی یک‌پارچه‌سازی، از میان انواع آمیزه‌های مفهومی مطابق دسته‌بندی‌های فوکونیه و ترنر (۲۰۰۲) از فرایندهای مفهوم‌سازی آیات قرآن، برخی آمیزه‌های مفهومی تک‌حوزه‌ای بودند؛ یعنی در ساختار مفهومی آنها، هر درون‌داد چارچوبی جداگانه داشته، اما فقط یکی از این چارچوب‌ها در ساخت آمیزه‌ی مفهومی شرکت کرده و برخی دیگر دو‌حوزه‌ای بودند؛ یعنی در ساختار مفهومی این گونه آیات، هر درون‌داد چارچوبی جداگانه داشته و هر دو نیز در ساخت آمیزه‌ی مفهومی دخالت داشته‌اند.

از نظر شبکه‌ی مفهومی، هیچ‌یک از داده‌های پژوهش، تلفیق بسیط (ساده) و تلفیق آینه‌ای نبودند که شاید بررسی داده‌های بیشتر در گستره‌ی وسیع‌تری از آیات قرآن، کاربرد دو نوع اخیر را نیز تأیید کند. و سرانجام روشن شد که ساختار مفهومی آیات قرآن با بهره‌گیری از تمام توانمندی‌های زبان عربی، بر پایه‌ی تصویرسازی‌های زنده و پویا، به منظور برانگیختن حس و خیال آدمی در راستای کارکردهای دینی و عاطفی قرآن و برای القای مفاهیم معنوی و مجرد از طریق مفاهیم محسوس و نزدیک به فهم بشری، پایه‌گذاری شده است. در نهایت، همه‌ی آمیزه‌های مفهومی نشان می‌دهند که خالق وحی الهی بر پایه‌ی ظرفیت ذهن بشری، مفاهیم

قالب تشبیه به محسوسات ممکن شده، زیرا فهم بشری با محسوسات اُنس گرفته است.

به نظر قائمی‌نیا (۱۹)، مفسران تشبیهات بسیاری در قرآن یافته‌اند، اما به نقش تلفیقی آنها پرداخته و نقش آمیختگی و پیدایش معانی نوظهور را نادیده گرفته‌اند. ساختار مفهومی آیات فوق نشان می‌دهد که قرآن نه فقط امور مجرد را بر پایه‌ی تشبیه محسوس می‌کند، بلکه مفاهیم جدید را نیز در ورای ساختارهای زبانی آنها در نظر می‌گیرد. توجه به آمیختگی مفهومی در تحلیل این گونه آیات از این نظر اهمیت دارد که در معناشناسی قرآن و فرایند تکوین ساختار مفهومی آیات، افق جدیدی دارد. لجاجت و عناد کفار به گورخرانی تشبیه شده که از صیاد (شیر) مهیب روگردانیده و فرار می‌کنند. تعامل دو فضای درون‌دادی، زمینه‌ی تشکیل مفاهیم فضای آمیخته را فراهم ساخته و جهالت و بی‌خردی معاندان حق به عنوان مفهوم نوظهور و نهفته در ورای ساختار آیه، در فضای آمیخته تبلور یافته است. حسینی نیز در بیان ساختار تشبیهی این آیه می‌گوید: گروه کافران از کوتاه‌فکری هرگز متوجه نیستند که چه آینده‌ی خطرناکی در پیش دارند و از مواعظ و تهدیدات آیات قرآنی و دعوت پیامبر (ص) اعراض می‌کنند (۲۱).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شده تا از منظر معناشناسی شناختی و بر پایه‌ی مبانی نظریه‌ی «آمیختگی مفهومی»، فرایند ساخت و ادراک مفاهیم در آیات قرآن در محدوده‌ی ۱۵ جزء دوم آن تبیین شود. نتایج این تحلیل، چگونگی مفهوم‌سازی‌های آیات قرآن را با استناد به مؤلفه‌ها و فرایندهای مطرح در نظریه‌ی آمیختگی مفهومی نشان داده است. همچنین معلوم شد که چگونه با استفاده از انگاره‌ی چهارفضایی نظریه‌ی آمیختگی مفهومی و اصول بهینگی حاکم بر عملکرد آن، می‌توان شیوه‌های مفهوم‌سازی نهفته در ورای ساختار زبانی آیات را نشان داد؛ به طوری که خداوند حکیم با بهره‌گیری از زبان بشری و محدودیت‌های خاص آن، معارف بیکران وحی

دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۲۱؛ پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۲۱

را تنظیم و از طریق تجسم‌گرایی با درک نامحسوس از طریق محسوس، زمینه‌ی ادراک حقایق معنوی و آسمانی را فراهم ساخته است.

منابع

1. Lakoff, G., Johnson, M., *Metaphors We Live by*. Chicago: Chicago University press; 1980.
2. Fauconnier, G., turner, M., *The way we think: Conceptual blending and the mind's hidden complexities*. New York: basic books; 2002.
3. Javanmard, L., *The role of conceptual blending in the process of formation of Intimate young Persian terms*. Master's thesis in linguistics, Tehran: University of Al-Zahra; 2009. {pesian}
4. Rostami, M., *Conditional sentences in Persian: The cognitive approach*. Master's thesis in linguistics, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies; 2010. {pesian}
5. Ardabil, L., *Cognitive semantics and the function of conceptual blending theory in The Iranian folk tales*. PhD thesis in linguistics, Payam Noor University of Tehran, Faculty of Literature and Foreign Languages; 2014. {pesian}
6. Larry motafaker, L., *The study of cocepts blend in examples of titles in sports news of the newspaper South*. Master's Thesis in linguistics, University of International Unit; 2013. {pesian}
7. Poor Ebrahim, Sh., *A Linguistic Study of metaphor: The contemporary theory of metaphor*, PhD thesis in linguistics, Tehran: Tarbiat Modares University, Faculty of Literature and Humanities; 2009. {pesian}
8. Izutsu, T., *God and Man in the Quran*, editor: Ahmad Aram, Tehran, Company publication; 1982. {pesian}
9. El-zeiny, I., Criteria for the translation and assessment of Quranic metaphor; A contrastive analytic approach, *babel* ;2011: 247-268.
10. Fauconnier, G., *Mental spaces*, Cambridge: M A. MIT press; 1985.
11. Freeman, D., *Historical Documents Relating to Mason&Dixon*, Phynchon and Mason & Dixon Ed. Brook Horvath and Irving Malin, Newark: University of Delaware Press; 2000.
12. Coulson, S., *SemanticLeaps: Frame-Shifting and Conceptual Blending in Meaning Construction*. Cambridge: Cambridge University Press; 2001.
13. Evans, V & Melanie, G., *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburg University Press Ltd; 2006.
14. Fauconnier, G & M, Turner, *Conceptual integration networks*. *Cognitive Science*. 22/2. pp.33-187; 1998.
15. Rowshan, B; Ardabili, L., *Introduction to Semantics*. First Edition, Tehran: Nasher qalam; 2013. {pesian}
16. Tabatabaei, Seyed M, *Al-Mizan*. editor: Seyed Mohammad baqer mousavi hamadani, Fifth Edition: Qom, Publications Office of Qom Seminary Teachers Society; 1995. {pesian}
17. Makarem Shirazi, N., *Tafsir namooneh*. First Edition, Tehran: Daralkotob Alislamiyah; 1993. {pesian}
18. Seyyedi, H, Image components in the Qur'an, *Scientific magazinev Religious Thought*; 2008; 27: 105-116. {pesian}
19. Ghaemi Nia, A, «Cognitive linguistics and Quranic Studies», *Journal of Mind, Tehran: Islamic Thought and Culture Research*; 1997; 3: 1-26. {pesian}
20. Nasiri, R, «Functionality and features a rhetorical industry of allegory smile in The Holy Quran» *The Scientific magazin Explore in linguistic studies of the Quran*; 2013; 1: 39-53. {pesian}
21. Hossein Hamadani, Sayyed M, *Bright lights*, researchist: Mohammad behboodi, Tehran: Book-store; 1984. {pesian}